

نقش روشنگران وابسته
در تهاجم فرهنگی غرب

۱۰

میرزا عبدالرحیم طالب اُف (طالبوف)
و
میرزا یوسف خان مستشارالدوله

نقش روشنفکران وابسته در تهاجم فرهنگی غرب

جلد ۱۰

میرزا عبدالرحیم طالبزاده تبریزی (طالبوف)

تألیف و تدوین: مؤسسه فرهنگی قدر ولايت

ناشر: مؤسسه فرهنگی قدر ولايت

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶ شمارگان: ۲۰۰ جلد

حروفچینی: ظریفیان لیتوگرافی: نیما چاپ: کیوان صحافی: سبحان

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است.

شابک: ۹۶۴-۹۹-۹۹۹۹-۹۹-۹ ISBN: 964-99-9999-99-9



تلفن توزیع: ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۹۹۵۸

فهرست مطالب

عنوان		صفحه
میرزا عبدالرحیم طالبزاده تبریزی (طالبوف)	۱۱	
زندگینامه	۱۳	
شخصیت، افکار و اندیشه‌های طالبوف	۱۶	
نظرات طالبوف راجع به قانون و آزادی	۱۹	
طالبوف و دفاع و حمایت او از مشروطه، انگلیس و دول اروپایی	۲۷	
شاهدوستی طالبوف! و همراهی او با امتیازدهی شاهان به بیگانگان!	۳۳	
طالبوف و خط و زبان فارسی	۳۷	
طالبوف و اسلام و روحا نیت	۴۳	
میرزا یوسف خان مستشارالدوله	۵۳	
زندگینامه	۵۵	
شخصیت و افکار میرزا یوسف خان مستشارالدوله	۵۹	
ردیابی شخصیت میرزا یوسف خان در لیبرالیسم غربی	۵۹	
شكل‌گیری شخصیت میرزا یوسف خان در حشر و نشر با مجذوبان فرهنگ غرب	۶۲	
کتاب «یک کلمه»، ملاک اندیشه‌های میرزا یوسف خان	۶۳	

۴ • نقش روشنفکران وابسته (۱۰)

۷۲	راه آهن، راه علاج اوضاع ایران!
۷۳	ترغیب مهاجرت غریبها به ایران!
۷۵	عضویت در شبکه فراماسونری
۷۸	منابع
۷۹	نمایه موضوعی
۸۳	نمایه اشخاص

پیشگفتار

مجموعه «نقش روشنفکران وابسته در تهاجم فرهنگی غرب»، دو سالی متوقف ماند. تقاضای جوانان فهیم برای ادامه این مجموعه در مناسبت‌های مختلف، از جمله در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، سبب گردید تا دستاندرکاران مؤسسه برای ادامه آن، جدیت بیشتری نشان دهند. با توجه به رسمی که در این مجموعه در پیش گرفته شده بود - بررسی یک چهره روشنفکری از قدما و سپس چهره جدیدی از روشنفکران - مجموعه جدید، آماده گردید.

در این مجموعه، دو چهره شاخص از جریان روشنفکری همزمان بررسی و ارائه شده‌اند. میرزا یوسفخان مستشارالدوله و میرزا عبدالرحیم طالباف، هر دو از چهره‌های اولیه جریان روشنفکری هستند. مستشارالدوله در کنار تأثیرگذاری فکری، در مناصب دولتی نیز تأثیرگذاری فراوانی در جهت آماده‌سازی بستر روشنفکری و تقلید از غرب و مشروطه‌خواهی داشت. اما طالبوف، تنها یکبار به عنوان نماینده مردم تبریز در دوره اول مجلس شورای ملی انتخاب شد که به دلیل مخالفت علما با مرام و مسلک او، از سفر به تهران منصرف شد. او در داغستان شوروی روزگار گذراند و تنها در زمینه‌های فکری، تأثیرگذار بود.

در پیشگفتارهای مجموعه نقش روشنفکران وابسته، به اهداف این مجموعه و برخی خصوصیات جریان روشنفکری و نیز دلایل نامگذاری این مجموعه و استفاده از اصطلاح «وابسته» اشارات مفصلی داشته‌ایم. براساس آنچه گذشت، وابستگی صرفاً به مفهوم جاسوسی و ارتباط مستقیم تشکیلاتی نیست، بلکه بنا به قول بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی ره، وابستگی روحی، فرهنگی و فکری بسیار خطرناکتر از وابستگی متدالوی و شناخته شده است. مرعوب و مجدوب شدن روشنفکران در برابر فرهنگ غربی و درنتیجه: اشتباہ کردن آنان در ترجیح دادن این فرهنگ بر فرهنگ غنی اسلامی و ملی، راه را بر مهاجمان به فرهنگ خودی، بسیار هموار ساخت. راز این که از چهره‌هایی چون «دکتر محمد مصدق» و «مهندس مهدی بارزگان» در کنار چهره‌هایی چون «ملکمن خان» و

۶ • نقش روشنفکران وابسته (۱۰)

«آخوندزاده» و ... نامبرده شده و به نقد منصفانه و مستند راه و نقش آنان در تهاجم فرهنگی پرداخته‌ایم، در این وابستگی فکری و مرجعیت فرهنگی است. مجموعه «نقش روشنفکران وابسته در تهاجم فرهنگی غرب» نشان می‌دهد که روشنفکران چند اشتباه بزرگ را، بعضی عامل‌آ و برخی سهوآ، مرتکب شده‌اند و هر دو گروه از لحاظ نتیجه‌ که هموار کردن راه بر مهاجم در سیستم فرهنگ خودی و فتح عقبه‌های فکری جامعه است، در یک گناه بزرگ و نابخشودنی سهیم‌اند.

اشتباه اول: جلوهٔ پیشرفت‌های مادی و صنعتی و گاه اجتماعی کشورهای غربی، سبب شد تا چشمان روشنفکران ایرانی از دیدن حقایق و رای ظواهر مادی، ناتوان شوند. غرب در نظریه‌پردازی‌های خود، واتمود می‌ساخت که راز پیشرفت‌هایش در کنار زدن دین از صحنهٔ سیاست و اجتماع، و آزاد کردن زنان و مردان از قیود و احکام دینی است. خردگرایی و علم محوری را در برابر دین‌مداری قرار داد و تمسک به علم و عقل را معادل پیشرفت و قبول دین را به معنای تحجّر و محرومیت و عقب‌ماندگی تلقی نمود. در این هم‌همه بزرگ، چشم روشنفکران تنها به رخدادهای ظاهری دوخته شد و گوش آنان تنها زمزمه‌های مستأنهٔ پیروزی صاحبان صنعت را شنید. آنان از شناخت باطن این تمدن و دورنمای کریه منظر آن، ناتوان ماندند. همان را نسخهٔ نجات‌بخش نارسایه‌های جامعهٔ خود دانستند و بر تقلید و کپی‌برداری بدون دخل و تصرف از آن، اصرار ورزیدند.

اشتباه دوم: انتخاب راه مبارزه با دین و آموزه‌های اسلام بود. برخی این راه را با صراحت و جسارت انتخاب و با وضوح و بطور روشن موضع‌گیری کردند و برخی در لفافه و به عنوان مبارزه با خرافات و بعضی نیز با انطباق دادن احکام الهی با اصول تمدن غربی و تفسیر مادی از این احکام برای نشان دادن انطباق کامل فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب! تلاش کردند. راهی که روشنفکران غربی در برابر مسیحیت تحریف شده برای گشودن راه تحقیق و تدقیق و نوآوری دریش گرفته بودند، روشنفکران خودی، در برابر دین مبین اسلام، دریش گرفتند. اگر در غرب، پیشروان فکری توانستند به دلیل سستی مبانی دین تحریف شده، مسیحیت را از زندگی مردم کنار بزنند و ایده و راه خود را برحق نشان دهند؛ در ایران، این روشنفکران بودند که در میدان معارضه با دین بر حق و منطقی و عقل‌گرای اسلام، از بین مردم بیرون رانده شدند و در انزوای کامل قرار گرفتند و راه به جایی نبردند.

اما در اثر این مقابله، نه از پیشرفت غربی خبری شد و نه راهبرد عملی اسلام برای پیشبرد جامعه در قالب نظام سیاسی، امکان برقراری یافت.

اشتباه سوم: قبول پناهندگی و حمایت‌های مختلف بیگانگان از سوی روشنفکران است. غرب فریکار، برای جذب عناصر روشنفکر و تهیه سپاهی بی‌جبره و مواجب و نفوذی از آنان، سازمانها و نهادهای علمی، فرهنگی و اجتماعی را پایه‌گذاری کرد. شخصیتهای باوجهه و مقبول، در این سازمانها، با عناصر روشنفکری در تماس شدند. در روزهای دشوار مشروطیت، پناهندگی و دعوت از آنان برای مدت طولانی در دانشگاهها و این سازمانها، باب بود. در روزهای غیر بحرانی، ارتباط باصطلاح آکادمیک و تبادل نظر و گفتمان علمی و اجتماعی، راه را برای دگراندیشی در افکار روشنفکران سست‌پایه و بی‌بنیاد از لحاظ دینی و علمی، گشود. قبول این نوع حمایتها و پناهندگی‌ها و نیز روش جدید آن که برندۀ شدن در جشنواره‌ها و پرداخت جوايز بين المللي است، گاه بسیار روشن و صریح بود که حتی بعضًا تحت الحمایگی و پذیرش تابعیت کشورهای غربی را به همراه داشت و گاه در پوشش و استثار انجام گرفت. غرب در این بذل و بخشنش خود، به همراهی و همگامی آنان چشم دوخته بود و اگرچه درنتیجه، ناکام بود، اما در مقاطع مختلف از آنان به عنوان ابزار نفوذ خود و کندکننده راه استقلال و دین‌مداری مردم ایران، استفاده کرد. این سازمانها، ارتباطهای انتخابها و اهداء جوايز، هنوز هم ادامه دارد و شدت بیشتری یافته است.

اشتباه چهارم: جدا شدن از مردم، اگرچه حاصل اشتباهات گذشته می‌تواند باشد، لیکن روشنفکران با خودبزرگ‌بینی و برتری طلبی بجای فروتنی و تواضع، بین خود و مردم، دیوار بلندی بوجود آوردند. این مسأله سبب شد تا روشنفکران در مسیر انزواجی و تنهایی، بیشتر فرو روند و علم و آگاهیهای آنان نیز به درد مردم نخورد. مردم بطور طبیعی از کسانی که از درد و رنج و مطالبات واقعی آنان بی‌اطلاع بوده یا اعراض کنند و به دنبال مسائلی که مشکل مردم نیست، بروند، رویگردان هستند. این رویگردانی، روشنفکران را به مردم‌گریزی و بدینی نسبت به درک و فرهنگ مردم مبتلا ساخت و لذا مرتبًا فاصله افزایش یافت. آن که در این میان، بطور کامل زیادن دیده و گرفتار خسارت بزرگ و جبران ناپذیر شده‌اند، روشنفکران بیمار و مردم‌گریزند.

فهرست اشتباهاات عمدی یا سهوی روشنفکران به این چهار محور، ختم نمی‌شود. آنچه مسلم است این اشتباهاات، لطمات بزرگی به ملت ایران وارد آورد و سالهای سال، او را از پیشرفت علمی و شخصیتی بازداشت. این ملت بزرگ و بافرهنگ و متدين، هم از لحاظ مادیات، رفاهیات و امکانات زندگی، عقب مانده نگهداشته شد و هم از لحاظ فرهنگ و علم و تمدن و دیانت از رشد و تعالی بازماند. روشنفکران در قبال ملت بزرگ ایران، باید پاسخگو باشند. این پاسخگویی بدان معناست که در پیشگاه این مردم به گذشته تلح و محصول شوم عملکرد خود اعتراف نموده و با تلاش جدی و صحیح و همراهی با مردم در فکر و عمل و نظام برخاسته از رأی و خواست آنان، جبران گذشته را بنمایند و در راه پیشرفت علمی، فتی، اجتماعی و ایمانی آنان، قدم گذارند، پاسخگویی یعنی بازگشت به دامان ملت، برگشت از آن اشتباهاات، تکیه نکردن به بیگانگان، دست رد زدن به عطاها و جوابیز غربی‌ها، پیشه کردن تقوا و ایمان اسلامی، مردمی شدن و فروتنی و خضوع در برابر اراده مردم، همراهی با نظام مردم‌سالار دینی، ایستادگی در برابر زیاده‌خواهیهای استبکاری. اینها راه جبران گذشته است. روشنفکران در ابتدای انقلاب، چنین رویکردی را نشان دادند ولی بتدریج برخی از آنان به آنچه سابق تلح روشنفکری است رجعت کردند و مجدداً چهره‌ای غرب‌زده، مرعوب و مجدوب، مخالف با خواسته‌های مردم و مخالف اصول و مبانی نظام دینی مردم‌سالار، از خود نشان دادند. گویا روشنفکری بستری است بر خودباختگی و خودناباوری؛ بستری است از وابستگی فکری و روحی. راهی است جدا از مردم و خواست آنان، خدیت با دین و تعالی معنوی بشریت.

این مجموعه، با ترسیم شخصیت، افکار و فعالیتهاي چهره‌های شاخص روشنفکری، آگاهیهای لازم را برای مردم بویژه اقشار تحصیل کرده و دانشجویان فراهم آورد. این شناخت کمک می‌کند تا در گردونه زندگی و چرخش ایام، ترفندها و تغییر چهره‌ها و تفاوت روشها، نتوانند دل و اندیشه آنان را ناآگاهانه، تصرف کنند و خواسته‌های نامیمون خود را در تلخکامی و عقب‌ماندگی آنان برآورده نمایند. امید است، توانسته باشیم به طور مستند و واقعی این راه را بپیماییم و خداوند تبارک و تعالی، این تأثیر سرنوشت‌ساز را در این مجموعه قرار دهد و در آینده نیز بتوانیم چهره‌های دیگر را سنگلاخ وابستگی فکری، بویژه از چهره‌های جدید و رجعت کرده را مورد بررسی و شناسایی قرار دهیم. ان شاء الله مؤسسه فرهنگی قدر و لایت